

«نبرد راه گشا»

نگاهی به عملیات طریق القدس

دکتر حسین علائی

وامت مسلمان تلقی نگردد. با توجه به این نکات اسم این عملیات "طریق القدس" نامیده شد.

محدوده‌ی منطقه‌ی عملیات

موقعیت منطقه مورد نظر برای اجرای عملیات طریق القدس، محدوده‌ی بین اراضی شمال غربی شهر اهواز محدود به ارتفاعات "الله اکبر" و ارتفاعات "میش داغ" و "تپه های رملی (شنی)" در شمال، و از سمت جنوب "رودخانه نیسان" و "شهر هویزه"، و از سمت شرق به "شهر سوسنگرد" و از سمت غرب به "هورالهوریه" و "تنگه جزابه" و "مرزهای بین المللی" محدود می شود.

وسعت این منطقه حدود دو برابر منطقه‌ی عملیاتی ثامن الائمه (ع) یعنی در حدود ۴۰۰ کیلومتر مربع بود. در واقع جغرافیای زمین منطقه‌ی مورد نظر برای انجام عملیات به گونه‌ای آرایش یافته بود که از شمال به تپه های رملی یا شن های روان، از غرب به باتلاق و آب گرفتگی و سرزمین عراق و از جنوب به رودخانه‌ی نیسان متکی بود و بنابر این فقط در شرق این منطقه، قوای رزمنده‌ی اسلام حضور داشتند.

چگونگی انتخاب منطقه‌ی عملیات

قبل و پس از عملیات ثامن الائمه، بحث‌های زیادی بین فرماندهان سپاه و ارتش در مورد تعیین منطقه‌ی بعدی نبرد رزمندگان اسلام برای بیرون راندن ارتش متجاوز از خاک کشور، صورت گرفت. به طور عمده دو نظر در آن زمان وجود داشت:

دیدگاه اول:

نظر فرمانده وقت نیروی زمینی ارتش - تیمسار قاسمعلی ظهیرنژاد - این بود که: با توجه به حضور دشمن در ۲۰ کیلومتری جنوب غربی اهواز و نیز در غرب رودخانه کرخه، چنانچه عملیاتی در منطقه‌ی بستان صورت

درست یکسال و دو ماه و نه روز پس از آغاز جنگ تحمیلی، در تاریخ هشتم آذر ماه سال ۱۳۶۰، عملیات طریق القدس به منظور وارد کردن ضربه‌ی اساسی دوم به دشمن متجاوز، آغاز شد. ضربه‌ی اول در تاریخ ۵ مهر ماه سال ۱۳۶۰ به ارتش بعثی صدام وارد شد که بر اثر آن قوای متجاوز بعثی از مواضع خود در شمال شهر آبادان به شرق رودخانه‌ی کارون رانده شدند و جاده آبادان به اهواز و نیز جاده آبادان به ماهشهر باز گردید. تجربه‌ی عملیات ثامن الائمه که قوای اسلام طی آن موفق شدند به محاصره‌ی شهر آبادان خاتمه دهند، روحیه‌ی امید به پیروزی را در بین رزمندگان اسلام پدید آورد. پس از عملیات شکست حصر آبادان، بلافاصله همه‌ی سلحشوران سپاه اسلام راهی منطقه‌ی "بستان" شدند تا بتوانند این شهر و هفتاد روستای بین سوسنگرد تا بستان و اطراف منطقه‌ی جزابه را از دست دشمن خارج نمایند و خود را به بخشی از مرز بین المللی برسانند.

در آن زمان، منطقه‌ی عملیاتی طریق القدس به اندازه‌ی فضای نبرد شکست حصر آبادان برای مردم ایران شناخته شده نبود. زیرا جغرافیای این منطقه‌ی عملیاتی به اندازه‌ی کافی برای عموم مردم ایران شناخته شده نبود، ولی عظمت این عملیات و وسعت بزرگ آن، بیانگر حماسه‌ی بزرگی بود که رزمندگان اسلام در سال دوم جنگ، آفریدند.

با توجه به اینکه در آن ایام دولت عربستان در پی برگزاری کنفرانس "فاس" به منظور حمایت از اسرائیل و تضعیف عملی فلسطینیان بود و از سوی دیگر احتمال تعقیب دشمن در جریان این عملیات در داخل خاک عراق نیز وجود داشت، بنابراین، اسم این عملیات به گونه‌ای انتخاب گردید تا مورد حمایت همه‌ی مسلمانان باشد و انگیزه‌ی ایران از جنگیدن برای بیرون راندن متجاوز از خاک کشور، به عنوان درگیری بین دو کشور

گیرد، ارتش دشمن می تواند با اتخاذ تاکتیکی تهاجمی، جاده اهواز - اندیمشک و خود شهر اهواز را تهدید کند و در جناح شمالی منطقه عملیات استقرار یافته و عقبه ی نیروهای تک کننده را تهدید نماید. بنابر این پیشنهاد ایشان، انجام تک در منطقه ی عمومی دزفول و در غرب رودخانه کرخه بود. همچنین برخی دیگر از فرماندهان معتقد بودند که چنانچه رزمندگان اسلام از منطقه ی سوسنگرد به سمت مرز بین دو کشور، پیشروی نمایند موجب "جناح دادن" به قوای دشمن خواهد شد.

دیدگاه دوم:

از سوی دیگر فرماندهان سپاه انقلاب اسلامی معتقد بودند که:
 ۱- با توجه به مقاومت نیروهای رزمنده در برابر تهاجم دشمن و زمین گیر شدن ارتش بعثی در سراسر جبهه ها و همچنین اقدام ایران به شکستن حصر آبادان، دشمن انگیزه ی آفند جدید و تهاجم بیشتر را برای گرفتن سرزمین های دیگری از ایران ندارد.
 ۲- دشمن قادر به عبور از روخانه ی کرخه و بستن جاده ی اهواز - اندیمشک نیست، زیرا اگر می توانست پیش از این و در شرایطی که ارتش بعثی به پیشروی های پی در پی خود در خاک ایران ادامه می داد، برای این منظور اقدام می کرد.

۳- با توجه به روحیه ی ضعیف فرماندهی ارتش بعثی، دشمن قادر به انجام تهاجمی جدید و مؤثر برای تهدید جناح راست عملیات و یا عقبه ی نیروهای خودی نیست. زیرا لازمه ی این امر، خروج از مواضع پدافندی و تحمل تلفات بسیار است.

۴- روحیه دشمن در این شرایط، دفاعی بوده و راهبرد وی پدافند در سراسر جبهه ها به منظور حفظ اراضی اشغال شده ایران است.

پس از انتخاب "سرهنگ علی صیاد شیرازی" به فرماندهی نیروی زمینی ارتش جمهوری اسلامی و اطمینانی که وی از نظرات فرماندهان سپاه داشت، او نظرات سپاه را در مورد منطقه ی عملیاتی مورد تایید قرار داد و بنابر این ارتش و سپاه تصمیم گرفتند که عملیات مشترک خود را برای بیرون راندن دشمن از بخشی دیگر از سرزمین های ایران در منطقه ی بستان انجام دهند. لازم به ذکر است در آن ایام تیمسار ظهیر نژاد از سوی حضرت امام خمینی (ره)، به ریاست ستاد ارتش جمهوری اسلامی ایران برگزیده شدند.

دلایل انتخاب منطقه ی عملیاتی بستان

عمده ترین دلیل انتخاب این منطقه برای انجام دومین نبرد بزرگ جمهوری اسلامی ایران علیه ارتش صدام، تناسب زمین و وسعت این منطقه ی عملیاتی با توان رزمی موجود رزمندگان اسلام در آن دوره ی زمانی بوده است. این مسئله پس از شناسایی های مستمر که از ماه ها قبل بر روی این منطقه در حال انجام بود، مشخص شد. برنامه ریزان

نبرد، به دنبال ناحیه ای از حضور قوای دشمن می گشتند که بتوانند با حمله به آن، دست به عملیاتی بایک موفقیت و پیروزی قطعی بزنند و پس از بیرون راندن دشمن از سرزمین ایران در آن ناحیه، بتوانند با کمک عوارض و موانع طبیعی زمین مورد نظر، سرزمین تصرف شده را حفظ نموده و دشمن را از باز پس گیری آن، مأیوس نمایند. بنابر این شرایط جغرافیایی این منطقه، می توانست پس از تصرف آن، طول خط پدافندی قوای اسلام را کاهش داده و خط جدید دفاعی مناسب تری را به وجود آورد.

با توجه به نکات فوق و بحث های زیادی که در آن دوران، بین فرماندهان سپاه و ارتش صورت گرفت، در نهایت انجام عملیات در این منطقه به تصویب شورای عالی دفاع رسید.

از سوی دیگر مهم ترین عنصر کلیدی برای موفقیت در این عملیات، رسیدن فوری به تنگه ی چزابه در حوالی مرز بین المللی بود که عمده ترین عقبه ی دشمن و مهم ترین خط مواصلاتی ارتش بعثی در این محدوده به حساب می آمد. تنگه ی چزابه نقطه ی ورودی ارتش بعثی به خاک ایران بود. با توجه به شناسایی های انجام شده، درباره ی نحوه ی استقرار واحدهای دشمن، مشخص شد که این هدف مهم، "دست یافتنی" است.

از طرفی، شرایط جغرافیایی این منطقه به گونه ای بود که پس از انجام عملیات، امکان تشکیل یک خط دفاعی مناسب با تکیه بر عوارض طبیعی زمین وجود داشت و پدافند از آن با استعداد نیروهای کمتری نسبت به آرایش نیروهای خودی در قبل از انجام عملیات، امکان پذیر می نمود.

با توجه به نکات فوق، چنانچه عملیاتی در این منطقه صورت می گرفت نتایج زیر نیز حاصل می شد:

۱- بین سپاه سوم و چهارم و نیروهای رزمی دشمن در شمال و جنوب خوزستان شکاف و فاصله ایجاد می شد. بنابر این پشتیبانی متقابل نیروهای مستقر دشمن در شمال این منطقه و نیز در جنوب جبهه از یکدیگر، در زمان حمله ی نیروهای اسلام به آنها امکان پذیر نبود و این امر به تفکیک قوای دشمن منجر و موجب ضعف تاکتیکی آنها می گردید.

۲- با توجه به نزدیکی شهر بستان به مرز بین المللی، حمله ی رزمندگان اسلام در این منطقه و رسیدن آنها به کناره ی هورالعظیم و ناحیه ی شیب در نوار مرزی دو کشور، می توانست موجب بازتاب مهم سیاسی در جهان شود.

۳- تهدید شهر اهواز از سوی دشمن از طریق محور جاده ی بستان - سوسنگرد با انجام این عملیات، مرتفع می شد.

مقدمات اجرای عملیات

معمولا برای انجام هر عملیات، اقداماتی به شرح زیر صورت می‌گرفت:

- ۱- شناسایی منطقه‌ی مورد نظر
- ۲- کسب اطلاعات وسیع و گسترده از استعداد و نحوه‌ی آرایش دشمن
- ۳- تشکیل سازمان رزمی مورد نیاز برای انجام عملیات و برنامه ریزی برای تدارک نیروهای رزمنده‌ی شرکت کننده در عملیات
- ۴- طرح ریزی مانور مناسب از بین راه کارها و سناریوهای مختلف
- ۵- انتقال یگان‌های رزمی به منطقه‌ی عملیات و آماده‌سازی آنها برای شرکت در تهاجم علیه دشمن
- ۶- و در نهایت پس از انجام اقدامات فوق، اجرای عملیات در زمان مناسب

فعالیت‌های انجام شده برای شناسایی

از حدود شش ماه قبل از عملیات طریق القدس، کار شناسایی این منطقه‌ی عملیاتی از سوی گروهی از نیروهای اطلاعات - عملیات سپاه به سرپرستی "شهید سید علی حسینی" از پاسداران استان خراسان، آغاز شد. او برای شناسایی منطقه، سه دیدگاه اطلاعاتی را بر روی رمل‌های شمال منطقه‌ی عملیاتی و در جناح شمالی دشمن، در طول ۲۵ کیلومتر، احداث نموده بود و با کمک نیروهای خود به طور مستمر نحوه‌ی آرایش دشمن را از خط مقدم تا عمق مواضع ارتش بعثی، مورد شناسایی مرتب قرار می‌داد. او با استفاده از چند دستگاه موتور سیکلت و دو راس قاطر و نیز با استفاده از نقشه‌های نظامی منطقه و همچنین تعدادی قطب نما و تجهیزات انفرادی، کار شناسایی این منطقه تا تنگه‌ی چزابه را زیر نظر ستاد عملیات جنوب که به نام "پایگاه منتظران شهادت" خوانده می‌شد و در محل ساختمان گلف که در نزدیکی میدان چهار شیر اهواز قرار داشت، انجام می‌داد. البته شناسایی‌های دقیق تر برای طرح ریزی عملیات از حدود دو ماه قبل از انجام عملیات یعنی از اواخر شهریور ماه ۱۳۶۰ انجام می‌شد. "شهید حسن باقری" که در آن زمان مسئولیت اطلاعات - عملیات سپاه را در جبهه‌های جنوب بر عهده داشت خواسته‌ها و نیازمندی‌های اطلاعاتی مورد نیاز برای طرح ریزی عملیات طریق القدس را برای شهید سید علی حسینی، مشخص نمود. قرار بود تا عملیات رزمندگان اسلام با استفاده از تاریکی شب صورت بگیرد تا در این شرایط از قدرت زرهی دشمن کاسته و بر قدرت نیروهای رزمی پیاده‌ی خودی، در شرایط کاهش دید دشمن بر چگونگی حرکت آنها در شب عملیات، افزوده شود. بنابر این کسب اطلاعاتی از موارد ذیل برای طرح ریزی عملیات ضروری می‌نمود:

عمده ترین دلیل انتخاب این منطقه برای انجام دومین نبرد بزرگ جمهوری اسلامی ایران علیه ارتش صدام، تناسب زمین و وسعت این منطقه‌ی عملیاتی با توان رزمی موجود رزمندگان اسلام در آن دوره‌ی زمانی بوده است. این مسئله پس از شناسایی‌های مستمر که از ماه‌ها قبل بر روی این منطقه در حال انجام بود، مشخص شد

- ۱- وضعیت آرایش، مواضع و سنگرهای نیروهای دشمن در خط مقدم و سایر خطوط پدافندی
- ۲- بررسی انجام عملیات در تاریکی محض و یا در روشنایی نور ماه
- ۳- تعیین وضعیت نور ماه و مهتاب در شب‌های مورد نظر برای اجرای عملیات
- ۴- نحوه‌ی فعالیت نیروهای دشمن در شب و روز
- ۵- چگونگی تردد واحدهای دشمن به خط مقدم و نحوه‌ی تدارک آنها
- ۶- وضعیت استقرار تیربارهای دشمن در خط مقدم و چگونگی اجرای آتش آنها در شب و روز علیه مواضع خودی
- ۷- تعداد متورهایی که دشمن در هر شب شلیک می‌کند و مشخص کردن فضاهایی را که بر اثر پرتاب منورها، روشن می‌نماید.
- ۸- بررسی روحیه‌ی فرماندهان ارتش بعثی مستقر در منطقه‌ی مورد نظر
- ۹- شناسایی فرماندهان گردان‌ها و تیپ‌های دشمن که در منطقه مستقر هستند.
- ۱۰- استعداد دقیق گردان‌ها و تیپ‌ها و سازمان زرهی دشمن در منطقه مورد نظر
- ۱۱- بررسی خطوط مواصلاتی دشمن و چگونگی استفاده از آنها برای دسترسی به جبهه‌های مختلف
- ۱۲- بررسی تعداد و کیفیت جاده‌های عقبه‌ی دشمن
- ۱۳- بررسی امکان تردد نیروهای پیاده خودی در رمل‌ها و اینکه صدای پای حرکت هر رزمنده تا چند متری شنیده می‌شود.
- ۱۴- بررسی اینکه میزان صدای تردد خودروها، تانک‌ها و نفربرها، در منطقه رملی، هر یک به صورت جداگانه تا کجا شنیده می‌شود؟
- ۱۵- بررسی اینکه اگر کسی در رمل‌ها گم شود، چگونه می‌تواند

خود را نجات دهد.

۱۶- اگر نیروهای شناسایی در حین مأموریت خود، اسیر شدند چه پاسخی‌هایی را بهتر است به بازجویان دشمن بدهند تا دشمن به اهداف آنها پی نبرد.

۱۷- مشخص نمودن محل استقرار هر یک از گردان‌های دشمن در منطقه‌ی عملیاتی و تعیین دقیق محدوده‌ی مأموریت هر کدام از آنها

۱۸- بررسی اینکه یگان‌های احتیاط دشمن کدام است و در کجا استقرار دارند و چه مأموریتی برای هر یک از آنها در نظر گرفته شده است؟

۱۹- راه کارهای حمله به دشمن چند تا است؟ کدام موفق تر است؟ و چرا؟

۲۰- چگونه می توان در مرحله‌ی اول عملیات به تنگه‌ی چزابه که یکی از عقبه‌ی مهم دشمن است رسید؟

بر اساس دستورالعمل فوق، کار شناسایی ها و نیز کسب اطلاعات برای طرح ریزی عملیات تا پایان آبان ماه سال ۱۳۶۰ به پایان رسید.

یکی از موارد مورد نیاز، شناسایی وضع جغرافیایی زمین مورد نظر و عوارض طبیعی موجود در آن بود تا مشخص شود که شرایط طبیعی زمین چه محدودیت‌ها و مشکلاتی را برای نیروهای خودی و دشمن به هنگام نبرد، ایجاد می کند. در این منطقه چهار رودخانه‌ی کرخه، سابله، نیسان و کرخه کور وجود داشت که همگی از حوالی سوسنگرد و حمیدیه به سمت هورالهوریزه امتداد داشتند. نهرهای دیگری هم مثل نهر رمین و نهر آل عباس وجود داشت که از این رودخانه‌ها منشعب می شدند. پل‌های موجود بر این رودخانه‌ها مثل پل سابله، اهمیت زیادی هم برای دشمن و هم برای نیروهای خودی داشت. جاده‌ای نیز از سوی دشمن، به اسم جاده‌ی تعاون در غرب شهر بستان و در بین باتلاق‌های هور، به سمت تنگه‌ی چزابه احداث شده بود تا بتواند تردد واحدهای ارتش بعثی را آسان تر نماید. این جاده که خاکی و عریض و بلند بود از تنگه‌ی چزابه عبور و تا منطقه‌ی شیب در عراق امتداد می یافت و پس از عبور از حلفائیه به شهر العماره، مرکز استان میسان عراق می رسید و ارتباط سپاه سوم و سپاه چهارم ارتش بعثی عراق را با هم برقرار می کرد. بین جاده‌ی خاکی تعاون و جاده‌ی آسفالتی چزابه، آب گرفتگی هور و منطقه‌ای باتلاقی و نیزار وجود داشت. جاده‌ی آسفالتی بستان - چزابه که حدود پانزده کیلومتر طول داشت و از منطقه‌ی سوبله به دو راه تقسیم می شد، تنها راه مواصلاتی قوای دشمن بود. یکی از این دو راه به سمت فکه و دیگری به سوی منطقه‌ی شیب امتداد می یافت. شمال جاده‌ی آسفالتی چزابه، تپه‌های رملی قرار داشت و آب گرفتگی در اینجا مشاهده نمی شد.

گاهی اوقات در مسیر شناسایی ها، اقدامات مهمی نیز صورت

می گرفت؛ از جمله برای آشنایی سایر رزمندگان با برخی از توانایی‌های دشمن، تلاش می شد تا علاوه بر ترسیم وضعیت و نحوه آرایش دشمن، بر روی کالک، بعضی از جنگ افزارها و ابزارهای وی نیز جمع آوری و به قرارگاه مرکزی عملیات منتقل گردد. برای مثال، در هنگام بررسی وضعیت میدان مین دشمن، روزی برادر سید علی حسینی توانسته بود با کمک برخی از افراد اطلاعات عملیات، تعدادی از چاشنی‌های میدان مین چزابه را که دشمن در سه ردیف کار گذاشته بود با خود به عقب بیاورد تا به صورت عینی نوع تجهیزاتی را که دشمن برای ایجاد موانع در جلوی خطوط اول خود به کار می برد را به کسانی که مأموریت پاکسازی میدان‌های مین را بر عهده داشتند نشان دهد.

چگونگی آرایش دشمن

این منطقه تحت مسئولیت سپاه سوم ارتش بعثی عراق قرار داشت. با استفاده از شناسایی‌های انجام شده از وضعیت گسترش نیروهای دشمن و نیز با کمک استفاده از عکس هوایی و نقشه‌های طبیعی منطقه‌ی بستان، آخرین وضعیت و نحوه‌ی تشکیل خط پدافندی دشمن به شرح زیر مشخص گردید:

خط مقدم دفاعی دشمن از خاکریزی به طول حدود ۲۱ کیلومتر تشکیل می شد که راس شمالی آن از تپه‌های رملی شمال شهر بستان آغاز و به رودخانه‌ی نیسان در جنوب منطقه‌ی عملیاتی منتهی می گردید. در شمال رودخانه‌ی کرخه، خط دفاعی دشمن از حوالی "روستای جابر حمدان" در یک خط مستقیم رو به شمال تا تپه ماهورهای رملی و غیر قابل عبور در "دامنه‌های کوه میشداغ" متشکل از یک خاکریز بلند به ارتفاع حدود دو و نیم متر و عرض بیش از ۳ متر، با خاک کاملاً کوبیده و محکم، احداث گردیده بود. در سراسر این خط، با استفاده از کیسه‌های شن، الوار، تیر آهن و ورقه‌های فلزی، سنگرهای جنگ افزار انفرادی و اجتماعی، پناهگاه برای نفرات و به فاصله‌ی هر صد متر یک سکوی آتش برای تانک یا نفربرهای حامل موشک مالیوتکا ساخته شده بود. این خاکریز از سمت جنوب به رود کرخه و از سمت شمال به زمین‌های رملی بایک زاویه‌ی تقریباً هفتاد درجه به سمت غرب می پیچید و حدود ۲/۵ الی ۳ کیلومتر دیگر در امتداد دامنه‌های تپه‌های رملی ادامه داشت. این بخش برای تأمین هر چه بهتر پهلوهای شمالی خط دفاعی دشمن، ایجاد شده بود. این خاکریز به دلیل شکل ویژه اش به "خاکریز عصا شکل" معروف شده بود. در پشت این خاکریز که تا شهر بستان در حدود بیست کیلومتر فاصله داشت، یگان‌های پیاده و مکانیزه دشمن استقرار داشتند. این یگان‌ها به انواع جنگ افزارهای ضد زره مجهز بودند و استعداد آنها از یک تیپ تقویت شده، بیشتر بود. ارتش بعثی عراق در فاصله میان این خاکریز تا شهر بستان، خاکریزهای عرضی و طولی

متعددی را که به صورت مواضع پدافندی آرایش یافته بودند ایجاد کرده بود، تا بتواند هر گونه رخنه و نفوذی را به این منطقه، چه از شرق به غرب و چه از شمال به جنوب، کنترل و خنثی نماید، اما جهت اصلی مواضع پدافندی دشمن، متوجه شرق بود. در جلوی این خاکریز، یک میدان مین به عرض دویست متر نیز ایجاد کرده بود که در آن، مین های ضد نفر، مین های تله ای، مین های جهنده، مین های والمری، مین های ضد تانک و مین های منور به کار رفته بود. در جلوی این میدان مین منظم، میدان مین نامنظمی نیز به پهنای صد متر ایجاد شده بود. کل فضای این میدان های مین با تیربارهای مستقر در خاکریز عصا شکل و جنگ افزارهای سبک و چندریدف سیم خاردار پوشش یافته بود.

مواضع اصلی پدافندی ارتش بعثی عراق، در جنوب کرخه تا رود نیسان در امتداد همان خاکریز عصا شکل، با همان ویژگی ها و مشخصات و مستحکم تر از آن احداث شده بود. این خاکریز که به کناره نهر "عبید" متکی بود به طول چهارده الی پانزده کیلومتر به سمت جنوب تا رودخانه نیسان امتداد داشت و در پشت آن، خاکریزها و مواضع متعددی برای سازماندهی پدافند در عمق، ساخته شده بود. خط دفاعی ارتش بعثی در جنوب رودخانه نیسان، از محلی به نام "پل الوان" و "شیخ خزعل" شروع می شد و به "مگاسیس" و از آنجا به جلوی "روستای دهلاویه" و "نهر عبید" و به صورت هلالی به طرف "تپه های الله اکبر" و از آنجا به طرف "تپه ای سبز" می رفت و در امتداد رمل ها تا "تنگه ای چزابه" ادامه داشت. ارتش بعثی در کنار نهر عبید، خاکریزی احداث نکرده بود ولی سیم خاردارهایی را به صورت توری مشبک با فاصله ای ۵۰ سانتیمتر از سطح زمین، نصب کرده بود که در صورت عبور رزمندگان پیاده از آنها پایشان در این تورها گیر می کرد و همچنین دشمن می توانست از آتش تیربار علیه آنها استفاده نماید. پس از این شبکه ای سیم خاردار توری مشبک، دشمن میدان مین وسیعی نیز ایجاد کرده بود. مواضع جنوب رودخانه ای کرخه توسط چهار تیپ پیاده مکانیزه و زرهی دشمن و آتش دست کم چهار گردان توپخانه که با دو تیپ زرهی و مکانیزه دیگر تقویت می شدند پدافند می گردید.

سازمان دهی عملیاتی نیروهای سپاه

با بررسی های به عمل آمده، مشخص گردید که برای انجام این عملیات نیاز به حدود ۳۵ گردان نیروی رزمنده می باشد که عمده ای آنها بایستی از سوی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی تامین گردد. بنابر این سپاه که در آن زمان در پی تشکیل نوعی سازمان دهی نوین برای جنگیدن با دشمن بود، توانست برای انجام این عملیات، اولین تیپ های رزمی خود را تشکیل دهد. بر این اساس چهار تیپ به شرح ذیل تشکیل شدند:

الف- تیپ ۲۵ کربلا به فرماندهی برادر مرتضی قربانی

لازم به ذکر است رزمندگانی که با شهید چمران در زمان حیات ایشان در جبهه حضور داشتند، پس از شهادت وی به تیپ کربلای سپاه پیوستند و تعدادی از آنها در گردان "شهید عرب" سازماندهی شدند.

ب- تیپ ۱۴ امام حسین (ع) به فرماندهی برادر حسین خرازی

ج- تیپ امام سجاده (ع)

د- تیپ ۳۱ عاشورا

با این تدبیر، سازمان های جدیدی به عنوان امکانی برای پذیرفتن تعداد بیشتری از داوطلب های بسیجی به وجود آمد که می توانست حضور بیشتر مردم را در جبهه های جنگ، پذیرا باشد. بنابر این در این هنگام، توان رزمی قوای ایران به بیش از دو برابر افزایش یافت. همچنین در طرح توسعه ای سازمان رزمی سپاه، واحد اطلاعات و عملیات در ستاد عملیاتی جنوب به منظور انجام شناسایی های دقیق تر از دشمن، تقویت گردید و همچنین واحدهای تخریب برای عبور از موانع و استحکامات دشمن سازماندهی شد. مخابرات یگان ها برای برقراری ارتباطات مطمئن، تقویت گردید و واحد ادوات نیز برای داشتن حداقل آتش پشتیبانی برد کوتاه با سازماندهی خمپاره های موجود، تشکیل شد. همچنین سیستم شنود، به منظور اطلاع از مکالمات بی سیمی دشمن و کسب اخبار لحظه ای از فعل و انفعالات دشمن در صحنه ای درگیری، در قرارگاه مرکزی عملیات که به نام "قرارگاه کربلا" خوانده می شد، فعال گردید. یگان زرهی سپاه نیز با استفاده از تجهیزات زرهی غنیمی از تیپ ۸ مکانیزه ای ارتش بعثی در عملیات ثامن الائمه، از سوی برادر فتح الله جعفری سازماندهی گردید.

تعیین راهبرد عملیاتی

با توجه به اینکه از حدود سه ماه قبل، فرمانده جدید سپاه، مشغول به کار شده بود، وی برای چگونگی جنگیدن با دشمن، تصمیم گرفت تا اقدامات همه جانبه ای را در دستور کار خود قرار دهد و مسیر مشخصی را برای نبرد با دشمن با کمک فرماندهان مستقر در جبهه ای جنوب، ترسیم نماید. بنابر این، سپاه همزمان با آماده شدن برای انجام عملیات طریق القدس دست به انجام اقدامات ذیل زد:

۱- تشکیل سازمان رزمی سپاه در قالب تیپ های جنگی، به منظور حضور منظم تر نیروهای سپاه در جبهه های جنگ و ایجاد بستری مناسب برای توسعه ای سریع سازمان رزمی. لازم به ذکر است که شهید حسن باقری در این سازماندهی نقش موثری را ایفا می نمود.

۲- تشکیل گروه طرح ریزی سپاه به منظور برنامه ریزی عملیات با هویت مستقل و مشخص.

۳- طراحی سلسله عملیات هایی به منظور بیرون راندن ارتش بعثی از خاک ایران با عنوان سلسله عملیات های "کربلای ۱ تا ۱۲". لازم به ذکر

است که طرح کلی این عملیات ها تهیه شد تا در آینده به طرح ریزی تفصیلی آنها پرداخته شود. البته ادامه‌ی طرح ریزی عملیات ها با اسامی دیگری، دنبال شد.

۴- تعیین راهبرد عملیات نظامی سپاه که هدف آن پایان دادن به اشغال سرزمین های ایران بود.

اجزای این راهبرد عبارت بودند از تعیین اهداف پلکانی برای رسیدن به هدف نهایی که رفع تجاوز دشمن و آزاد سازی کلیه سرزمین های اشغال شده از چنگال دشمن بود.
به این شرح:

الف- طرح ریزی عملیات هایی به منظور انهدام سازمان جنگی ارتش بعثی و کاهش توان نظامی دشمن و همچنین آزاد سازی بخش هایی از سرزمین های اشغالی.

ب- آزادسازی نیروهای خودی از خطوط پدافندی طولانی و امکان ایجاد تمرکز قوا برای انجام عملیات بعدی در مناطق اشغال شده ی کشور.

و- کسب آمادگی به منظور ایجاد شرایط برای طرح ریزی حمله‌ی تعیین کننده نهایی.

ج- انجام عملیات های آزادسازی در مناطقی متناسب با توان رزم خودی.

د- به غنیمت گرفتن جنگ افزارها و تجهیزات دشمن مثل تانک ها، نفربر ها و توپخانه ها به منظور توسعه توان رزم خودی.

ه- همکاری و هماهنگی با ارتش و ترکیب مناسب نیروهای سپاه و ارتش در هر عملیات برای افزایش توان رزمی.

استعداد دشمن

دشمن در این منطقه حدود ۱۰ تیپ زرهی، مکانیزه و پیاده را سازمان داده بود و حدود ۳۰۰ دستگاه تانک و حدود ۱۰۰ دستگاه نفربر را به همراه بخشی از نیروهای کماندویی و نیرو مخصوص را مستقر کرده بود. تیپ تقویت شده‌ی ۲۶ زرهی از لشکر ۵ مکانیزه، فرماندهی جبهه‌ی شمالی دشمن در منطقه‌ی رمل ها را بر عهده داشت و تیپ ۹۳ پیاده از لشکر ۳ و نیز تیپ ۳۱ نیروی مخصوص هم در سایر نقاط جبهه گسترش یافته بودند. استعداد دشمن در نیمه‌ی جنوبی منطقه‌ی عملیات تقریباً دو برابر استعداد یگان های ارتش بعثی در بخش شمالی جبهه بود. دشمن در بخش جنوبی جبهه‌ی خود، دارای ۳ تیپ زرهی، ۱ تیپ مکانیزه و ۲ تیپ پیاده بود. فرماندهی لشکر ۶ زرهی دشمن این یگان ها را هدایت و کنترل می کرد و قرارگاه آن در غرب منطقه‌ی جفیر و جنوب شهر هویزه و در حاشیه‌ی هورالهویزه استقرار داشت.

استعداد خودی

سه تیپ و سه گردان توپخانه از ارتش (۲ تیپ زرهی و یک تیپ پیاده) شامل تیپ ۱ زرهی از لشکر ۱۶ قزوین، تیپ ۳ زرهی از لشکر ۹۲ اهواز و تیپ ۱ پیاده از لشکر ۷۷ خراسان که در مجموع استعداد رزمی آنها به ۸ گردان می رسید.

۴ تیپ از سپاه در مجموع با ۲۷ گردان نیروی پیاده. یک گردان تانک، ۲ گردان نفربر و ۲ گردان ادوات.

در مجموع، ارتش دارای ۳ گردان تانک، ۳ گردان نفربر و ۳۰ آتشبار توپخانه‌ی صحرایی بود و روی هم رفته قوای ایران، دارای ۱۳۰ دستگاه تانک و ۱۸۰ دستگاه نفربر بودند. بدین ترتیب، توان زرهی و مکانیزه‌ی ایران، حدود دو سوم توان موجود ارتش بعثی در منطقه‌ی عملیاتی بود ولی یگان های پیاده‌ی قوای اسلام حدود ۴ برابر واحدهای پیاده‌ی دشمن سازماندهی شدند.

در واقع حضور گسترده‌ی نیروهای داوطلب بسیجی، به سپاه این امکان را داد که استعدادی در حدود دو برابر استعداد خود در عملیات ثامن الائمه را سازماندهی نماید.

اقدامات نیروهای خودی جهت آماده شدن برای

اجرای عملیات:

پس از اتمام شناسایی های مورد نظر در خطوط مقدم و نیز بررسی چگونگی آرایش دشمن در خطوط عقب تر و نیز عمق مواضع وی، کار طرح ریزی عملیات با بررسی راهکارهای مختلف، نهایی شد و ستاد عملیات جنوب تصمیم گرفت تا از سه محور به مواضع دشمن، حمله

از حدود شش ماه قبل از عملیات طریق
القدس، کار شناسایی این منطقه‌ی عملیاتی
از سوی گروهی از نیروهای اطلاعات - عملیات
سپاه به سرپرستی "شهید سید علی حسینی"
از پاسداران استان خراسان، آغاز شد. او برای
شناسایی منطقه، سه دیدگاه اطلاعاتی را بر
روی رمل های شمال منطقه‌ی عملیاتی و در
جناح شمالی دشمن، در طول ۲۵ کیلومتر،
احداث نموده بود و با کمک نیروهای خود به
طور مستمر نحوه‌ی آرایش دشمن را از خط
مقدم تا عمق مواضع ارتش بعثی، مورد
شناسایی مرتب قرار می داد.

در بررسی های به عمل آمده مشخص گردید که دشمن از نظر توان نیروی هوایی، وضعیت عوارض زمین و نیز قدرت زرهی و همچنین توان اجرای آتش توپخانه و خمپاره، به خصوص از نظر میزان مهمات بر قوای ایران برتری دارد، به طوری که حجم آتش توپخانه ی دشمن تا چند برابر آتش توپخانه ی ایران برآورد می گردید.

الف - دفاع مطمئن از مواضع اشغال شده با استفاده از تشکیل رده های متعدد پدافندی و ایجاد میدان های وسیع مین و رده های عمق دار در بین هر رده.

ب - ایجاد مواضع بسیار مستحکم پدافندی، به طوری که امکان شکستن خط مقدم دشمن برای رزمندگان اسلام میسر نباشد. برای مثال طول خط دفاعی دشمن از منطقه ی تپه های رملی تا رودخانه ی کرخه کور حدود ۸/۵ کیلومتر بود.

ج - عدم خروج واحدهای دشمن از مواضع پدافندی خود به هنگام تک نیروهای خودی به منظور کاهش آسیب پذیری آنها.

د - انجام پاتک های سریع و پر حجم و سنگین، بلافاصله پس از تهاجم نیروهای خودی و استفاده فوری از نیروهای احتیاط دست نخورده.

طرح مانور عملیات

با توجه به شناسایی ها و بررسی های انجام شده از سوی واحدهای اطلاعات - عملیات سپاه، مشخص گردید که اجرای مانور احاطه ای در جنوب رودخانه ی کرخه امکان پذیر نیست؛ زیرا، پهلوهای شمالی و جنوبی دشمن در این منطقه به رودخانه های کرخه و نیسان متکی بود و گسترش نیروهای ارتش بعثی به گونه ای آرایش یافته بود که هیچ جناح باز یا ضعیفی از دشمن که امکان اجرای مانور احاطه ای را برای نیروهای ایرانی فراهم آورد، وجود نداشت. بنابراین، در منطقه ی جنوب کرخه، نیروهای مسلح ایران ناگزیر باید مانور رخنه ای را اجرا می کردند. از سوی دیگر، حمله از مسیر جاده ی سوسنگرد - بستان نیز، به عنوان یک تک جبهه ای محسوب می شد که نمی توانست به عنوان محور تلاش اصلی عملیات قرار گیرد. بنابراین سپاه دست به ابتکار مناسبی زد و عبور از منطقه ی رملی و دور زدن رده های پدافندی دوم و سوم دشمن را در عمق جبهه ی نبرد به عنوان تاکتیک ویژه ی عملیات انتخاب نمود. بر

نماید. کار سازماندهی بسیجیان داوطلبی که از سراسر نقاط کشور به منطقه آمده و استعداد آنها به حدود ۲۰ هزار نفر می رسید نیز در قالب تیپ های رزمی جدید سپاه انجام شد و هر تیپ موظف گردید تا نیروهای خود را مطابق با طرح مانور عملیات هریگان، به صورت شبانه روزی آموزش دهد.

پس از آن با کمک برخی از برادران مهندسی مستقر در جبهه، طرح باز کردن آب به منظور استفاده از آن برای محدود کردن خطوط پدافندی خودی و نیز آزاد نمودن تعدادی از نیروهای پدافندی انجام شد. این طرح را برادر بسیجی "آقای مهندس جمشید سرداری" بر اساس طرح شهید دکتر مصطفی چمران با استفاده از آب رودخانه ی کرخه کور انجام داد که می توانست جلوی حمله ی ارتش بعثی به مواضع قوای اسلام را با کمک رودخانه ی کرخه کور را بگیرد. از سوی دیگر با همت جهاد سازندگی کار احداث جاده ای به طول ۲۰ کیلومتر از تپه های الله اکبر در زمین های رملی شمال جبهه ی نبرد تا محل چاه انجام شد. "شهید مهندس تقی رضوی" از برادران جهاد پیگیر احداث این جاده بود. به منظور عدم حساس شدن دشمن نسبت به احداث این جاده، کار ساخت آن در شب انجام می شد و در روز مسیر احداث شده، استتار می گردید تا دشمن با گرفتن عکس هوایی از منطقه، نتواند به وجود آن و جهت تک احتمالی رزمندگان اسلام پی ببرد.

از سوی دیگر پس از نهایی شدن طرح مانور، همه ی فرماندهان تیپ ها، گردان ها، گروهان ها و دسته های مانوری، نسبت به نقشه ی عملیاتی و طرح مانور، طی جلسات متعددی توجیه گردیدند و سوالات و ابهامات آنها در مورد چگونگی جنگیدن با دشمن، پاسخ داده شد.

ارزیابی برتری های دشمن

در بررسی های به عمل آمده مشخص گردید که دشمن از نظر توان نیروی هوایی، وضعیت عوارض زمین و نیز قدرت زرهی و همچنین توان اجرای آتش توپخانه و خمپاره، به خصوص از نظر میزان مهمات بر قوای ایران برتری دارد، به طوری که حجم آتش توپخانه ی دشمن تا چند برابر آتش توپخانه ی ایران برآورد می گردید.

برتری های خودی

در عین حال قوای اسلام از نظر تعداد نیروی پیاده و نیز شرایط روحی و همچنین انگیزه ی بالای بسیجیان بر دشمن برتری داشته و روحیه تهاجمی و میل جنگ جویی آنان، شرایط مناسبی را برای قوای خودی ایجاد کرده بود.

سیاست عملیاتی دشمن

در شرایط زمانی آماده شدن برای عملیات طریق القدس، دشمن از روش های ذیل برای حفظ سرزمین های اشغالی ایران، استفاده می نمود:

اساس این طرح، حمله از مسیر تپه های الله اکبر به سمت تنگه ی چزابه و تپه های نَبَعَه به عنوان محور تلاش اصلی در طرح عملیاتی فرماندهی سپاه قرار گرفت. بنابر این طرح ریزی عملیات بر اساس اجرای یک تک احاطه ای یک طرفه از مسیر رمل ها به سمت تنگه ی چزابه که عقبه ی اصلی دشمن محسوب می شد، در دستور کار قرار گرفت. احداث جاده ای به طول حدود ۲۰ کیلومتر در میان این رمل ها، امکان دسترسی نیروها را به عقبه ی دشمن میسر می نمود و حرکت رزمندگان پیاده را آسان تر، ممکن ساخت.

از آنجا که فرماندهی تیپ سوم لشکر ۹۲ زرهی اهواز که قرار بودیگان تحت امر وی در عملیات آزادسازی بستان شرکت نماید، طرح سپاه برای عبور از منطقه ی رملی را قبول نداشته و آن را اجرایی نمی دانست، بنابر این سپاه از فرماندهی لشکر ۹۲ زرهی، سرهنگ منفرد نیایی، خواست تا به اتفاق برادران "رشید علینور" و "حسن باقری" از منطقه ی مورد نظر بازدید نمایند و محور تلاش اصلی تک را با هم از نزدیک بررسی نمایند. پس از انجام این بازدید میدانی، سرهنگ نیایی به این نتیجه رسید که این طرح، بسیار مناسب و اجرایی است و با انتقال نظر خود به فرماندهی وقت نیروی زمینی، سرهنگ صیاد شیرازی، موافقت وی نیز با طرح سپاه اعلام شد.

وضعیت امنیتی ایران در زمان عملیات طریق القدس

۱- دشمن هر روز برخی از نقاط جبهه ها از جمله شهر آبادان را با هوایما بمباران می کرد.

۲- عملیات تروریستی منافقین همچنان در نقاط مختلف ایران ادامه داشت و سپاه در داخل شهرها با این گروه خشن درگیر بود، البته با اقداماتی که صورت می گرفت، از وسعت و حجم ترورهای منافقین کاسته شد. ولی آنها به ترورهای شخصیت های پر نفوذ در بین مردم، همچنان ادامه می دادند. برای مثال، منافقین که قبل از عملیات ثامن الائمه در تاریخ ۱۳۶۰/۶/۲۰، آیت الله سید اسدالله مدنی، امام جمعه ی تبریز را به شهادت رسانده بودند، پس از عملیات طریق القدس نیز در تاریخ ۱۳۶۰/۹/۲۰ آیت الله سید عبدالحسین دستغیب نماینده ی حضرت امام خمینی در استان فارس و امام جمعه ی محبوب شیراز را نیز به شهادت رساندند.

۳- در آن زمان، شهرهای خرمشهر، بستان و هویزه در استان خوزستان همچنان در اختیار دشمن قرار داشت و دشمن تا نزدیکی های شهر اهواز پیش آمده بود و مواضع خود را در غرب رودخانه ی کرخه احداث نموده بود.

شرایط دشمن قبل از عملیات

۱- دشمن با کمک تلاش های اطلاعاتی، شناسایی، شنود و عکس هوایی توانسته بود تا حدود ۶۰ درصد مطمئن شود که حمله ی

بعدی ایران در منطقه ی غرب شهر سوسنگرد صورت می گیرد. ۲- با توجه به تفکر کلاسیک دشمن، او حدس می زد که سمت تلاش اصلی نیروهای ایرانی با اتکا به جاده ی حمیدیه - سوسنگرد برای تصرف شهر بستان خواهد بود.

۳- دشمن منطقه ی رملی شمال عملیات را که تلاش اصلی از آن محور صورت گرفت را به عنوان "منطقه ی غیر قابل عبور" تشخیص داده بود و از آن به عنوان یک مانع طبیعی در طرح پدافندی خود استفاده می کرد. پس از پایان عملیات، وقتی از برخی اسرای دشمن سوال شد که چرا نتوانستید مانع تصرف سنگرها و مواضع خود از سوی رزمندگان اسلام شوید، آنها در پاسخ می گفتند که در این منطقه، عملیات هلی برن انجام شده است. یعنی رزمندگان اسلام با استفاده از بالگردهای جنگی نیروبر، در پشت مواضع آنها پیاده شده و نیروهای دشمن را دور زده اند. در حالی که در این عملیات اصلاً از بالگرد برای حمله به دشمن استفاده ای نشد.

شرح عملیات

عملیات طریق القدس حدود دو ماه پس از نبرد ثامن الائمه (ع) و در ساعت ۳۰ دقیقه ی بامداد روز ۸ آذر ماه سال ۱۳۶۰ برابر با دوم ماه صفر المظفر با رمز مبارک "یا حسین (ع)" انجام شد. به منظور اجرای این عملیات، پاسگاه قرارگاه مرکزی فرماندهی عملیات در روستای بردیه در غرب شهر سوسنگرد و در منطقه ی عمومی دهلاویه به صورت تعجیلی بر پا گردید. این قرارگاه عبارت از اتاقی ۳ در ۴ بود که با بلوک های سیمانی احداث گردیده بود و استحکام چندانی نداشت. از سوی برادر محسن رضایی فرماندهی کل سپاه، فرماندهی این عملیات را برادر رشید و از سوی ارتش، سرهنگ منفرد نیایی، هدایت یگان های عملیاتی را بر عهده داشتند. در این عملیات ۳ تیپ از سپاه با ۳ تیپ از ارتش، ادغام گردیدند. البته سپاه در ادامه ی عملیات، استعدادی در حدود ۲ تیپ دیگر را نیز به صحنه ی نبرد، وارد کرد. در این عملیات از تانک ها و نفربرهای غنیمتی لشکر ۳ زرهی ارتش یعنی که در شکست حصر آبادان بدست آمده بود استفاده شد. تانک های بکار رفته در عملیات از نوع T۵۵ و T۶۲ روسی بودند.

عملیات طریق القدس پس از گذشت ایام ماه محرم و در روزهای اول ماه صفر آغاز شد و رزمندگان اسلام تحت تاثیر ایام عاشورا در این نبرد شرکت کردند. این عملیات درست پس از گذشت یک سال و دو ماه و نه روز از آغاز جنگ از سوی صدام، شروع شد.

در لحظه ی شروع عملیات که در اواخر فصل پاییز و در هوای نسبتاً سرد انجام می شد، نم باران آغاز گردید و باعث شد تا منطقه ی

نتایج عملیات

در جلسه‌ی شورای عالی دفاع که در ساعت ۱۰ صبح روز یکشنبه ۱۵ آذر سال ۱۳۶۰ در حضور حضرت امام خمینی در جماران تشکیل شد، گزارش این عملیات از سوی فرماندهان سپاه و نزاقتقدیم گردید و اعلام شد که در جریان این عملیات، قوای اسلام موفق شدند یکصد دستگاه تانک و نفربر سالم و نیز یکصد دستگاه ماشین آلات مهندسی و راه‌سازی از دشمن را به غنیمت گرفته و حدود ۲۵۰۰ نفر از نظامیان دشمن را به هلاکت رسانده و ۵۰۰ نفر آنها را اسیر نمایند. همچنین تلفات رزمندگان اسلام در هفته‌ی اول عملیات ۱۲۵ شهید و ۴۰۰ مجروح از ارتش و ۷۰۰ شهید و ۱۸۰۰ مجروح از نیروهای سپاه و بسیج اعلام گردید.

در مجموع نتایج نهایی عملیات را می‌توان به شرح ذیل برشمرد:

۱- به غنیمت گرفته شدن ۱۹ عراده توپ ۱۵۲ م م، ۱۷۰ دستگاه تانک و نفربر، ۷۰ قبضه توپ ضد هوایی ۲۳ و ۱۴ م م و ۲۵۰ دستگاه خودرو و ۵۴۶ نفر اسیر.

۲- انهدام ۱۸۰ دستگاه تانک و نفربر، ۲۰۰ دستگاه خودرو، ۴ بالگرد جنگی، ۸ فروند هواپیمای، از جمله یک فروند هواپیمای میراژ ساخت فرانسه که خلبان آن نیز اسیر گردید و همچنین ۳۵۰۰ کشته و زخمی.

۳- با انجام این عملیات، دسترسی به منطقه‌ی اشغالی ایران در غرب رودخانه‌ی کارون و جنوب کرخه کور - که عملیات بیت المقدس در آن انجام شد - با سهولت بیشتری صورت گرفت.

۴- دسترسی رزمندگان اسلام به منطقه‌ی عملیاتی "فتح مبین" در غرب شهر شوش و غرب رودخانه‌ی کرخه با سهولت بیشتری صورت می‌گرفت.

۵- برای اولین بار قوای اسلام توانستند خود را به مرز بین المللی برسانند که از نظر سیاسی اهمیت زیادی برای ایران داشت.

۶- پیوستگی خطوط دفاعی دشمن که از مهران در غرب کشور تا خرمشهر در جنوب کشور برقرار بود گسسته شد و به ناچار خطوط تدارکاتی دشمن طولانی گشت و موجب شکاف بین نیروهای شمال به جنوب یعنی بین سپاه چهارم و سوم شد. بنابر این ارتش بعثی مجبور شد که از جاده‌ی بصره - عماره برای تدارک نیروهای موجود خود در خاک ایران استفاده نماید و جاده‌ای را که در خاک ایران برای تدارک و پشتیبانی از نظامیان، احداث کرده بود از اهمیت افتاد.

۷- تهدید دشمن از محور سوسنگرد - حمیدیه به سمت اهواز مرتفع گردید و احتمال اشغال اهواز و سوسنگرد از سوی دشمن کاهش یافت.

۸- مسئولین کشور به اهمیت توسعه‌ی نظامی توان رزمی که از طریق گسترش سازمان سپاه، امکان پذیر شده بود پی بردند و احساس کردند که موازنه‌ی قوا با دشمن را می‌توان با کمک مردم و نیروهای داوطلب بسیجی

رملی محل عبور رزمندگان خط شکن، محکم گردیده و تردد از مسیر شن‌های روان برای آنها، آسان تر گردد. از سوی دیگر بارش باران موجب غافلگیری لحظه‌ای دشمن و پناه بردن نیروهای وی به درون سنگرها گردید و فرصت مناسبی را برای نزدیک شدن رزمندگان اسلام به مواضع دشمن، پدید آورد. از مسیر رمل‌ها ۷ گردان پیاده از سپاه و ارتش، ۱ گردان تانک از ارتش و ۱ گردان تانک و نفربر از سپاه، حمله به سمت تنگه‌ی چزابه را آغاز کردند. به منظور هدایت درست رزمندگان پیاده، در برخی از مسیرها در بین رمل‌ها، فانوس‌هایی کار گذاشته شده بود تا آنها بتوانند با کمک روشنایی این فانوس‌ها در مسیر از قبل مشخص شده، حرکت نمایند و راه را گم نکنند.

اولین گروه از رزمندگان اسلام توانستند در ساعت‌های اولیه‌ی نبرد، خود را به مواضع توپخانه‌ی دشمن در اطراف منطقه‌ی غرب شهر بستان رسانده و ۱۹ عراده، توپ صحرایی ۱۵۲ میلی متری دشمن را به غنیمت بگیرند و مقر فرماندهی تیپ ۲۶ زرهی ارتش بعثی را به تصرف خود در آورند. در حوالی ساعت ۱۰ صبح همان روز، رزمندگان اسلام خود را به شهر بستان رسانده و این شهر را پس از ۴۲۷ روز اسارت، از چنگال ارتش متجاوز دشمن آزاد نمودند. لازم به ذکر است که شهر بستان در روز دوم مهرماه سال ۱۳۵۹ (یعنی روز سوم آغاز جنگ) به تصرف ارتش صدام درآمد. بستان از شهرهای مرزی دشت آزادگان در ۳۱ کیلومتری شمال غربی سوسنگرد و ۲۰ کیلومتری مرز بین المللی با عراق و ۱۷ کیلومتری غرب تپه‌های الله اکبر قرار دارد. بستن تنگه‌ی چزابه برای دشمن بسیار سنگین تمام شد و دشمن برای باز پس گیری آن، به طور مرتب سه روز به آنجا پاتک نمود و پس از ناامیدی، از ادامه‌ی حملات در این ناحیه منصرف گردید.

در جریان عملیات در بعضی از مناطق، نبردهای بسیار سنگینی رخ می‌داد، از جمله در محور جنوبی منطقه‌ی عملیات و در کنار نهر عبید درگیری‌های شدیدی اتفاق افتاد و رزمندگان اسلام برای تسلط بر آن ۷۵ شهید تقدیم کردند.

در مجموع، عملیات طریق القدس در حدود یک هفته به طول انجامید و پس از نبردهای مستمر شبانه روزی، دشمن به پشت رودخانه‌ی نیسان در جنوب منطقه‌ی عملیاتی رانده شد.

البته دشمن پس از پایان عملیات به بمباران مداوم مواضع ایران در نقاط مختلف جبهه ادامه می‌داد که دو هواپیمای ۱۴۱۴ ایران در حین دفاع در برابر آنها در ۱۵ آذر ۱۳۶۰ ساقط شدند. همچنین دشمن در ادامه‌ی حملات خود به مردم بی‌دفاع در تاریخ ۱۹ آذر ۱۳۶۰ مناطق مسکونی شهر ایلام را بمباران نمود که بر اثر آن ۲۱ نفر شهید و تعدادی مجروح شدند.

و از طریق سپاه ایجاد نمود.

۹- برادران ارتش نیز به اهمیت توان فکری، طرح ریزی، سازماندهی و انجام عملیات از سوی سپاه بیشتر پی بردند و آن را از عوامل اصلی موفقیت‌های جمهوری اسلامی در صحنه‌ی عملیات نامیدند.

۱۰- منافقین که به ترور ائمه‌ی جمعه و مردم طرفدار انقلاب اسلامی در داخل کشور ادامه می‌دادند، انجام این عملیات و پیروزی پی در پی رزمندگان اسلام را به منزله‌ی تثبیت نظام جمهوری اسلامی دانسته و برای فرار کامل از ایران برنامه ریزی و اقدام نمودند.

۱۱- با انجام این عملیات، دیدگاه شهید محمد علی رجایی که «ما سرنوشت جنگ را در میدان جنگ تعیین می‌کنیم»، تقویت گردیده و مسئولین کشور به اهمیت این شعار بیشتر پی بردند.

بررسی عوامل پیروزی رزمندگان اسلام

۱- شناسایی دقیقی که از سوی سپاه در مورد زمین و آرایش دشمن صورت گرفته بود و مبنای طراحی عملیات شد.

۲- روحیه عالی و شجاعت بی‌نظیر رزمندگان اسلام و نیز گسترش توان سازمان رزمی سپاه.

۳- با توجه به اینکه فرماندهان جدید سپاه و نیروی زمینی ارتش، کار خود را به تازگی شروع کرده بودند و هر دوی آنها نیاز به همکاری با یکدیگر را به خوبی احساس می‌کردند، بنابراین، قوای سپاه و ارتش در کنار هم قرار گرفت و هماهنگی مناسبی بین آنها پدید آمد و در این شرایط یگان‌های ارتش و سپاه با هم پیوند خورده و با هم همکاری می‌کردند و تمام مراحل عملیات را با هم جلو می‌بردند.

۴- حضور گسترده‌ی مردم و داوطلبان بسیجی (۳۰ گردان) در جبهه‌های نبرد

۵- تاکتیک ویژه عملیات در عبور از تپه‌های رملی که بر پایه خلاقیت، ابتکار عمل و شجاعت انجام شد.

۶- تصور دشمن از سمت اصلی تک قوای اسلام بدلیل آنکه دشمن حمله‌ی نیروهای ایرانی را به صورت یک تهاجم جبهه‌ای و با اتکا بر جاده سوسنگرد - بستان پیش‌بینی می‌کرد. بنابر این می‌توان گفت که دشمن، علی‌رغم هوشیاری نسبت به کل عملیات، به صورت تاکتیکی غافلگیر شد.

۷- مهارت فرماندهی و کنترل عملیات نظامی در حین اجرای عملیات و مقابله‌ی اساسی با پاتک‌های دشمن.

۸- استفاده از نیروی پیاده برای جنگ با زرهی دشمن، که رسانه‌های غربی از این شیوه با عنوان "تاکتیک امواج انسانی" یاد می‌کردند که در واقع جنگیدن رزمندگان پیاده با تانک‌های دشمن با استفاده از تاریکی شب و با سلاح‌های ضد زره، به صورتی موفقیت‌آمیز بود.

۹- طرح ریزی کلی مانور عملیات که به صورت همزمان از سه محور

از سوی برادر محسن رضایی فرماندهی کل سپاه، فرماندهی این عملیات را برادر رشید و از سوی ارتش، سرهنگ منفرد نیایکی، هدایت یگان‌های عملیاتی را بر عهده داشتند. در این عملیات ۳ تیپ از سپاه با ۳ تیپ از ارتش، ادغام گردیدند.

عمده به مواضع دشمن حمله شد و دشمن را در تمام جبهه‌ها درگیر نبرد نمود.

۱۰- سرعت عمل رزمندگان اسلام در رساندن خود به عقبه‌ی دشمن

و تداوم عملیات در طول شبانه روز.

تلاش‌های دشمن پس از این عملیات

پس از ناکامی ارتش بعضی در باز پس‌گیری منطقه بستان در پاتک‌های اولیه، دشمن با گذشت حدود دو ماه از تصرف شهر بستان، حمله‌ی همه جانبه‌ای را به تنگه‌ی چزابه از روز هفدهم بهمن سال ۱۳۶۰ آغاز کرد که تا آخر این ماه یعنی به مدت ۱۳ روز ادامه یافت. اهداف اصلی دشمن از این عملیات که در آن موفق شد تپه‌های "تبعه" در شمال این تنگه‌ی ۱/۵ تا ۲ کیلومتری که عمقی در حدود ۵ کیلومتر داشت را به تصرف خود در آورد، می‌توان به شرح ذیل خلاصه نمود:

الف- انهدام نیروهای رزمنده ایرانی

دشمن با تهاجم سنگین خود، موجب شد تا سپاه پاسداران انقلاب اسلامی مجبور شود حدود ۳۰ گردان از نیروهایی که برای انجام عملیات فتح‌مبین، آماده کرده بود را برای مقابله و دفع تک دشمن، در این منطقه به کار گیرد و در نهایت موفق شود که دشمن را در اقدام خود ناکام بگذارد. بنابر این سپاه با استعدادی در حدود توان نیروهای به کار رفته در عملیات طریق‌القدس، در نبرد چزابه وارد عمل شد. این نبردهای زیادی را هم به رزمندگان اسلام و هم به قوای دشمن وارد کرد. به طوری که در جریان این نبرد دو هفته‌ای حدود ۱۰۰۰ نفر از رزمندگان اسلام از جمله فرزندان امام جمعه‌ی وقت اصفهان به شهادت رسیدند.

ب- برهم زدن سازماندهی نیروهای سپاه

ج- تأخیر در اجرای عملیات بعدی قوای ایرانی

این نبرد وقت زیادی را از فرماندهان سپاه و نیز رزمندگانی که قرار بود در عملیات فتح‌مبین در غرب شهر شوش شرکت نمایند گرفت و موجب تأخیر یک ماهه‌ی این عملیات شد.

د- تقویت روحیه‌ی نیروهای دشمن که با فتح بستان بسیار تضعیف شده بود.